

مقدمه‌ای بر تبیین رابطه بین درآمدهای نفتی و بهره‌وری در ایران

سید محمدباقر نجفی^۱

فرشاد مؤمنی^۲

جمال فتح‌اللهی^۳

بهیه عزیزپور^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۳۰

چکیده

تحقق اقتصاد دانش‌محور، یک نیاز اساسی برای کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. در این الگوی اقتصادی، نقش دانش به عنوان اصلی‌ترین عامل در بهبود بهره‌وری، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین مساله اصلی این مقاله آن است که در شرایطی که مناسبات اقتصادی جهان بر اساس الگوی اقتصاد دانش‌محور است، الگوی اقتصاد منبع‌محور و متکی به درآمدهای نفتی، بدون توجه به تولید و بهره‌وری، مشکل‌گشای اقتصاد ایران نمی‌باشد. با توجه به ضرورت اقتصادی کشور برای حرکت از اقتصاد متکی بر درآمدهای نفتی به سمت اقتصاد دانش‌محور، این مقاله ارتباط بین نحوه هزینه‌کرد درآمدهای نفتی و بهره‌وری و تحقق اقتصاد دانش‌محور را بررسی می‌نماید.

در عصر همه‌الگوهای تولید پیشین، دانش یکی از عوامل تولید و بهره‌وری بود اما هرگز مهم‌ترین عامل تولید نبود ولی در عصر اقتصاد دانش‌بنیان، دانش به مهم‌ترین عامل تولید و بهبود بهره‌وری تبدیل شده و به عبارت دیگر، نقش دانش در ارتقاء بهره‌وری در عصر اقتصاد دانش‌محور از لحاظ شدت تأثیر و اهمیت کلیدی آن، بسیار افزایش یافته است. بنابراین شایسته است که دانش و عوامل مؤثر بر تأثیر درآمدهای رانتی بر ساختار انگیزشی خلق دانش و نوع و راستای دانش تولید شده در جامعه، بررسی شود.

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به تعریف و بررسی ویژگی‌های اقتصاد دانش‌محور پرداخته و موانعی را که ساختار هزینه‌کردن درآمدهای نفتی در مسیر تحقق اقتصاد دانش‌محور ایجاد می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته این مقاله عبارت است از: نحوه هزینه‌کردن درآمدهای رانتی، از طریق ساختار نظام پاداش‌دهی و راستای دانش، اقتصاد ایران را به سمت تولید دانش غیر مولد و به تبع آن نرخ پایین بهره‌وری به پیش می‌راند و با ممانعت از خلق دانش‌های مولد، مانع از تحقق اقتصاد دانش‌محور در ایران می‌شود.

واژگان کلیدی: دانش، نوآوری، اقتصاد دانش‌محور، بهره‌وری، رانت

طبقه بندی JEL: D83, O31, O32, D24, D72

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی (نویسنده مسؤول) najafi122@yahoo.com

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد farshadmomeni@gmail.com

۳. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی J.fathollahi@Razi.ac.ir

۴. کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی b.azizipour@ymail.com

۱. مقدمه

طی چند دهه اخیر، وارد دوره جدیدی از اقتصاد شده‌ایم که آن را اقتصاد دانش‌محور می‌نامند. در عصر اقتصاد دانش بنیان، دانش و نوآوری نقش بسیار مهمی در بهره‌وری و ایجاد ارزش افزوده دارد. در این الگوی جدید تولید، دانش و نوآوری به عنوان مهم‌ترین عامل تولید و منبع مهمی برای رشد بهره‌وری شناخته شده است. از آنجا که در اقتصاد دانش‌محور، بازده تولید و بهره‌وری به صورت تصاعدی زیاد می‌شود، بنابراین اقتصادهای جهانی در پی کسب مهارت‌ها و دانش، به سمت تحقق اقتصاد دانش‌محور در حرکت هستند.

انباشت دانش و مهارت‌های مولد، بستر افزایش نوآوری‌های معطوف به بهبود بهره‌وری را گسترش می‌دهد. از این رو، بررسی این مساله که درآمدهای نفتی با ایجاد ساختارهای نهادی ویژه خود چگونه بر انباشت دانش مولد و تحقق اقتصاد دانش‌محور تأثیر می‌گذارد، دارای اهمیت فراوان است و به همین دلیل در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این مقاله، ابتدا به تعاریف دانش، اقتصاد دانش‌محور، نوآوری، بهره‌وری و رانت پرداخته شده است. سپس با توجه به اهمیت موضوع، ویژگی‌های اقتصاد دانش‌محور ارائه شده است. در ادامه، موانعی که نحوه هزینه کردن درآمدهای نفتی بر سر راه تحقق اقتصاد دانش‌محور ایجاد می‌کند، بررسی شده است.

پرسش‌هایی که در این تحقیق بر اساس مساله اصلی تحقیق به آن پرداخته شده است، عبارتند از: ۱- درآمدهای نفتی از چه کانال‌هایی بر بهره‌وری تأثیر می‌گذارند؟ ۲- آثار منفی درآمدهای نفتی بر تحقق اقتصاد دانش‌محور چیست؟

۲. تعریف مفاهیم

۲-۱. دانش

در تعریف دانش، رونی و همکاران (Rooney et al., 2003: 1) «دانش را موضوعی زودگذر، مبهم و دشوار می‌دانند». با این تعریف، دانش قابل مشاهده و اندازه‌گیری مستقیم نیست و به راحتی نمی‌توان آن را تعریف کرد. «دانش عبارت است از ذخیره انباشته شده‌ای از اطلاعات و مهارت‌ها که از مصرف اطلاعات توسط گیرنده اطلاعات حاصل می‌شود» (Burton-Jones, 1999). دانش در خود مردم وجود دارد. در واقع تبدیل اطلاعات به دانش بر عهده خود بشر است و بر اساس مهارت‌هایی که فرد دارد و از طریق پردازش ذهنی، اطلاعات حاصل می‌گردد. در تعریفی دیگر، بیان شده که «دانش شامل جریانی از تجربیات، ارزشها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته است که

۱. به نقل از (Trewin, 2002: 1)

چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات و اطلاعات جدید به دست می‌دهد. دانش در ذهن فرد به وجود آمده و به کار می‌رود. دانش در سازمان نه تنها در مدرک و ذخایر دانش، بلکه در رویه‌های کاری، فرایندهای سازمانی، اعمال و هنجارها مجسم می‌شود. دانش عاملی است که جریان می‌یابد» (داونپورت و پروساک^۱، ۱۳۷۹: ۲۹-۳۵).

همچنین میلر و موریس بیان می‌کنند: «دانش، تنها در آگاهی از امور خلاصه نمی‌شود، بلکه آموختن روش چگونگی انجام مؤثر آن امور را نیز در بر می‌گیرد» (میلر و موریس^۲، ۱۳۸۳: ۱۱۲). با توجه به تعاریف گفته شده، دانش از طریق یادگیری و مهارت حاصل می‌شود. فرد با اطلاعات در دست و تلفیق آن با تجربه می‌تواند دانش خلق کند.

۱-۱-۲. انواع دانش

از منظر قابلیت انتقال و مبادله، دانش به دو دسته تقسیم شده است: دانش آشکار^۳ و دانش ضمنی^۴. دانش آشکار دانشی است که به صورت مکتوب بیان شود. اما دانش ضمنی، دانشی است که قابل نوشتن نیست یا هنوز نوشته نشده است. واژه دانش ضمنی برای نخستین بار توسط مایکل پولانی^۵ در سال ۱۹۷۶ مطرح شد. دانش ضمنی از نظر وی، «دانشی است که به صورت آگاهی جامع در ذهن و جسم انسان قرار گرفته است. به عبارت دیگر، دانش ضمنی مربوط به تفسیر شخصی فرد از مفهومی است که ارائه شده است» (Polanyi, 1966 28). لاندوال^۶ انواع مختلف دانش را به چهار نوع خاص دسته‌بندی کرده است که عبارتند از:

دانش چه چیزی^۷، دانش چرایی^۸، دانش چگونگی^۹، دانش چه کسی^{۱۰} (Lundvall et all, 2008: 683). الف) دانش چه چیزی یا واقعیت: این دانش، به دانش در مورد حقایق و واقعیت‌های موجود در جهان اطراف ما اشاره دارد. مفهوم این نوع دانش، به مفهوم اطلاعات نزدیک است (OECD^{۱۱}, 1996: 12, Lundvall et all, 2008: 683). برای مثال چه تعداد دانشجو در ایران در حال تحصیل هستند.

1. Davenport, Thomas. H & Laurence, prusak
2. Miller, William L & Morris, Longdon
3. Explicit Knowledge
4. Tacit Knowledge
5. Polanyi, M.
6. Lundvall, Bengt-Åke
7. know-what
8. know-why
9. know-how
10. know-who
11. Organization for Economic Cooperation and Development

ب) دانش چرایی: این نوع دانش بیانگر اصول و قوانین موجود در طبیعت، در فکر انسان و در جامعه است. برای توسعه فناوریانه در زمینه‌ها و محصولات مبتنی بر علمی مانند الکترونیک، برق، شیمی، زیست فناوری، هوا و فضا و غیره. برخورداری از دانش چرایی ضروری است و دسترسی به این نوع دانش، موجب پیشرفت سریع در فناوری و تقلیل خطاها می‌شود (OECD, 1996: 12). از نظر لاندوال «این دانش، برای توسعه فناوری در صنایع دانش‌محور اهمیت می‌یابد» (Lundvall et al, 2008: 683).

ج) دانش چگونگی: این نوع دانش به مجموعه مهارت‌ها (توانایی انجام بعضی چیزها) و قابلیت‌ها (توانایی انجام بعضی چیزها به بهترین حالت ممکن) اطلاق می‌شود. ممکن است به مهارت و قابلیت‌های کارکنان و سازمان در سطح کلان در رابطه با تولید، فرصت‌های خرید مواد اولیه و نیز فرصت‌های فروش کالاهای تولید شده مربوط شود. دانش چگونگی به وسیله بنگاه در سطح فرد و یک سیستم اقتصادی در سطح کلان، در فرایند عمل و تجربه توسعه یافته و در آنها حفظ می‌شود (OECD, 1996: 12). همچنین لاندوال، این دانش را «توانایی در انجام کارها می‌داند که ممکن است به مهارت‌های صنعتگران و کارگران مرتبط باشد. اما در واقع در همه فعالیت‌های اقتصادی یک نقش را ایفا می‌کند که شامل علم و مدیریت است» (Lundvall et al, 2008: 683).

د) دانش چه کسی: «این نوع دانش به اطلاعات موجود در مورد چه کسی چه چیزی را می‌داند و چه کسی چه چیزی را می‌تواند انجام دهد، اطلاق می‌شود. این نوع دانش به توانایی اجتماعی همکاری و برقراری ارتباط با انواع مختلف افراد و کارشناسان و ترکیب اطلاعات جهت کسب دانش از آنها مربوط می‌شود» (OECD, 1996: 12).

«از میان انواع دانش شناختی، دانش چپستی و چرایی، وجه آشکار بودن‌شان غالب است. در مقابل، دانش چگونگی و دانش چه کسی، وجه ضمنی بودن‌شان» (OECD, 1996: 12). نظریه پردازان اقتصاد دانایی بر نقش کلیدی دانش ضمنی تأکید نموده‌اند. از نظر استیگلitz^۱، «دانش ضمنی اهمیت ویژه‌ای دارد و دانش حک شده در کارکنان یک شرکت، می‌تواند مزیت رقابتی برای آن شرکت باشد» (Stiglitz, 1999: 4). همچنین استیگلitz «دانش را به کوه یخ شناور در آب تشبیه کرده است. آن قسمتی که از آب بیرون است (نوک یخ) را دانش آشکار و قسمتی که در زیر آب قرار دارد را دانش ضمنی می‌داند» (Stiglitz, 1999: 5). این تشبیه نیز بیان می‌کند که بیشترین حجم دانش را دانش ضمنی تشکیل می‌دهد. دانش صریح در این تشبیه مانند قله کوه یخ است که قطعه کوچکی تر ولی آشکار دانش را تشکیل می‌دهد. دانش صریح می‌تواند به صورت اعداد و کلمات بیان شود، یا به صورت فرمول و یا داده‌ها بین افراد منتقل شود.

۲-۲. اقتصاد دانش محور

واژه اقتصاد دانش محور، اولین بار توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مطرح گردید. از نظر این سازمان، «اقتصاد دانش محور اقتصادی است که بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات مبتنی است» (OECD, 1996: 7). در اقتصاد دانش محور، همه بخش‌ها (خدمات، کشاورزی و صنعت) دانش بر هستند. دانش، اصلی‌ترین نقش را در خلق ارزش افزوده، افزایش بهره‌وری و در نتیجه، رشد اقتصادی ایفا می‌کند و هر صنعتی بنا بر نیازها و ویژگی‌های خود باید از دانش استفاده کند. «در علم اقتصاد مرسوم، نیروی کار، سرمایه و زمین، عوامل تولید اصلی محسوب می‌شوند. در نتیجه، توان رقابتی اقتصادهای مختلف وابسته به میزان برخورداری آنها از مزایایی چون نیروی کار ارزان، سرمایه فراوان و زمین‌های وسیع و حاصلخیز می‌باشد. در اقتصاد دانش محور یا همان «اقتصاد جدید»، اقتصاد با «دانش» به عنوان عامل کلیدی تولید مواجه است. بنابراین رقابت اقتصادی به این بستگی دارد که آیا افراد، بنگاه‌ها و جوامع می‌توانند «دانش» را خلق، کسب و اشاعه دهند و به صورت موفقیت آمیزی آن را به کار برند یا خیر؟» (Stiglitz, 1999: 2).

کوتر و واوریک اقتصاد دانش محور را این‌گونه تعریف می‌کنند: «اقتصادی که در آن تولید و بهره‌برداری از دانش، نقش غالب و مسلط را در ایجاد ثروت بازی می‌کند. آنچه در اقتصاد دانایی محور اهمیت دارد، استفاده و بهره‌برداری مؤثر از همه انواع دانش در رفتارهای اقتصادی است و دانش صرفاً شامل اطلاعات یا ایده‌ها نیست بلکه در برگیرنده دانش ضمنی نیز هست» (Coates & Wawrick, 1999: 12). سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اروپا، اقتصاد دانش بنیان را اقتصادی می‌داند که در آن، تولید، توزیع و کاربرد دانش، عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی صنایع است. طبق این تعریف، اقتصاد دانش بنیان برای رشد و تولید ثروت تنها به تعدادی از صنایع با فناوری بالا متکی نیست، به عبارت دیگر در اقتصاد دانش بنیان، تولید، توزیع، و کاربرد دانش در تمامی صنایع، عامل محرکه رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال است» (معمارنژاد، ۱۳۸۴: ۸۶).

۲-۳. نوآوری

نوآوری عمری به درازای عمر بشر دارد؛ زیرا بشر همواره به دنبال یافتن راه‌های جدیدی برای انجام کارهای خود بوده است. در عصر اقتصاد دانایی محور، یکی از عناصر پیشرفت جامعه و یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی، نوآوری می‌باشد. لئونگ نوآوری را، «کاربرد هر ایده‌ای که برای سازمان، جدید است، چه این ایده جدید در محصولات، فرایندها یا خدمات اعمال شود و چه، در نظام‌های مدیریتی و بازاریابی که سازمان از طریق آنها فعالیت خود را انجام می‌دهد» تعریف کرده است (Leung, 2004: 2). بنابراین نوآوری

حالتی از استفاده بهره‌ور از دانش یا روش‌های جدید تولید، نوآوری در محصول، بازار یا نوآوری سازمانی و مدیریتی می‌باشد.

سازمان همکاری اقتصادی اروپا هر نوع بهره‌برداری تجاری از دانش جدید را نوآوری می‌نامد. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، نوآوری را، «فرایند خلاقیتی که از طریق آن ارزش اضافی اقتصادی از دانش استخراج می‌گردد، تعریف می‌کند. ارزش اضافی اقتصادی، به واسطه تبدیل دانش به خدمات، فرایندها و محصولات جدید حاصل می‌شود» (OECD, 1997). «نوآوری اغلب نتیجه پیوند دانش در فعالیت‌ها و صنایع مختلف است. بنابراین ترتیباتی که باعث ارتقاء همکاری بین سازمانی و درون سازمانی می‌شود، می‌تواند متضمن منافع قابل ملاحظه‌ای باشد. این امر گویای آن است که اقتصاد دانش‌بنیان باید در جهت ایجاد تعامل بین سازمان‌ها، محققان و تکنسین‌ها (ارتباط بین تحقیق و توسعه و تولید یا تجاری‌سازی فناوری‌های جدید) تلاش کند تا منجر به یافته‌های جدیدی شود» (معمارنژاد، ۱۳۸۴: ۹۰).

۲-۴. رانت^۱

رانت در مفهوم عامیانه همان سود بادآورده است اما در اصطلاح دانش اقتصاد، معنای دقیق‌تری دارد. بر اساس یک تعریف، «رانت، مازاد یا سود غیرتولیدی است که به دنبال ایجاد کمیابی‌های طبیعی یا ساختگی فراهم می‌شود. این سود غیرتولیدی، بیش از مقداری است که برای به کارگیری یک عامل تولیدی لازم است، به گونه‌ای که اگر این مقدار مازاد نیز از عامل تولید گرفته شود، ممکن است هنوز انگیزه فعالیت و تولید وجود داشته باشد. این سود غیرتولیدی خارج از فرایند تولید اقتصادی، که مستلزم به مخاطره گذاشتن سرمایه و کوشش فردی است، به دست می‌آید؛ یعنی در نتیجه بهبود فرایند مدیریت، خلاقیت و نوآوری، افزایش بهره‌وری و کارایی سازمانی حاصل نشده است» (خضری، ۱۳۸۲: ۹۶).

رانت را می‌توان درآمدی دانست که بر خلاف سود و مزد که نتیجه تعاملات، تلاش و فعالیت است، بدون تلاش در جهت تولید، به دست می‌آید. کروگر^۲ اصطلاح رانت را «درآمدهای مازادی می‌داند که به دنبال ایجاد کمیابی‌های ساختگی به وسیله دولت (از طریق محدودیت‌های وارداتی) فراهم می‌شوند» (Kroger, 1974: 64). به تعبیری دیگر، «رانت فرایندی است که طی آن یک فرد یا نهاد، صاحب فرصت‌ها و امتیازاتی می‌شود که سایرین از آن بی‌بهره بوده و با تصاحب این فرصت‌ها به امتیازات سیاسی، اجتماعی و سرمایه‌های مالی در جامعه دست می‌یابد» (همدمی، ۱۳۸۳: ۳۶).

1. Rent
2. Kroger

کاتوزیان در تعریف رانت و ارائه یک شاخص کمی برای تشخیص درآمدهای رانتی می‌گوید: «درآمدهای نفتی، به عنوان منبع عظیم و مستقل مالی، مستقیماً عاید دولت می‌شوند. این دولت حتی مجبور نیست که برای تحصیل درآمد به ابزار تولید داخلی متکی باشد. به محض اینکه این درآمدها به سطح بالایی افزایش می‌یابد، تا حدی که حداقل ۱۰ درصد تولید ملی را تشکیل دهد، موجب می‌شود دولت از نیروهای تولیدی و طبقات اجتماعی کشور استقلال اقتصادی و سیاسی در مقیاس بسیار زیاد پیدا کند. بنابراین، کل سیستم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همراه با اجزای گوناگونش، به حجم و استراتژی هزینه‌ای دولت وابسته می‌شود» (Katouzian, 1998: 245).

همچنان که دیده می‌شود، تعاریف ذکر شده از رانت، با یکدیگر هماهنگ نیستند. بخشی از این ناهماهنگی در تعریف رانت، ناشی از این است که در دنیای واقعی تنها یک نوع رانت وجود ندارد بلکه انواع متعددی از رانت وجود دارند. به همین دلیل در اینجا ابتدا به انواع رانت اشاره می‌گردد و سپس یک جمع‌بندی از مفهوم رانت ارائه می‌شود. انواع رانت عبارتند از:

الف) درآمد ناشی از فروش یا بهره‌برداری از منابع طبیعی و مانند آن مثل درآمد ناشی از فروش نفت و گاز در کشورهای خلیج فارس یا درآمد ناشی از فروش الماس و برخی فلزات گران‌بهای دیگر در کشور آفریقای جنوبی. البته هر درآمد ناشی از فروش منابع طبیعی مانند نفت الزاماً آثار رانت را به جا نمی‌گذارد و موجب نمی‌شود که دولت مربوطه رانتی محسوب شود. بلکه از منظر کمی، باید این درآمد، همچنان که گفته شد، حداقل ده درصد درآمد ملی کشور باشد. همچنین ساختار نهادی و کیفیت نهادهای هر کشور تعیین‌کننده نوع هزینه کردن این گونه درآمدها و بروز آثار مثبت یا منفی می‌باشد (مهرآرا و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳۰).

ب) برخورداری از یک موقعیت اجتماعی خاص که موجب کسب درآمدهای سرشار بدون مشارکت در فرایند تولید شود؛ مانند درآمد حاصل از حج برای کشور عربستان سعودی و درآمد حاصل از کمک آژانس بین‌المللی یهود برای فلسطین اشغالی.

پ) درآمد حاصل از شکسته شدن شرایط بازار رقابت کامل. هر یک از شرایط بازار رقابت کامل کمک می‌کنند که کارگزاران اقتصادی در شرایط یکسان و رقابت عادلانه به کسب و کار بپردازند و نقض هر یک از آنها موجب ارائه فرصت‌های ویژه و غیررقابتی برای برخی از کارگزاران می‌گردد. به عنوان مثال می‌توان به رانت ناشی از عدم آزادی ورود و خروج به بازار (رانت ناشی از انحصار)، رانت ناشی از عدم تقارن اطلاعات (عدم شفافیت) و رانت ناشی از غیر ذره‌ای بودن اشاره نمود.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان گفت رانت درآمدی است که دارای چند ویژگی زیر باشد:

الف) یک درآمد سرشار باشد و در مورد کشورها، حداقل ده درصد از درآمد ملی را تشکیل دهد.

ب) درآمد رانتی باید ناشی از کار مولد و تولیدی نباشد.

پ) بخش اقتصادی که منشأ کسب درآمد رانتهی است، با سایر بخش‌های تولیدی کشور ارتباط معناداری نداشته باشد و مثلاً متکی به تکنولوژی داخلی نباشد و ارتباط قابل توجهی با بخش‌های پیشین و پسین در همان اقتصاد نداشته باشد.

در این تحقیق هدف، تنها بررسی تأثیر رانت ناشی از فروش منابع طبیعی بر بهره‌وری در ایران است. بنابراین منظور از رانت در این مقاله تنها درآمدهای ناشی از فروش منابع نفت و گاز است.

۵-۲. بهره‌وری

کلمه بهره‌وری معادل واژه انگلیسی (Productivity) است که به معنای قدرت و قابلیت تولید می‌باشد. نخستین بار واژه بهره‌وری در سال ۱۷۶۶ توسط شخصی به نام کوزنی (Quesnay) معرفی شد (پیکارجو، ۱۳۸۷: ۱۲). در سال ۱۸۸۳ «لیتر» بهره‌وری را قدرت و توانایی تولید کردن تعریف کرد (ابطحی و کاظمی، ۱۳۸۰: ۴). «در اوایل دهه ۱۹۰۰ بهره‌وری را رابطه بین ستانده و عوامل به کار گرفته شده در تولید تعریف کردند» (شاگری، ۱۳۸۸: ۵۴۴). از نظر اداره آمار ملی انگلستان^۱ «بهره‌وری، رابطه بین داده‌ها و ستانده‌ها در فرایند را تولید به نمایش می‌گذارد و به عنوان یک مفهوم عملیاتی، بهبود آن به افزایش استاندارد زندگی و رقابت‌پذیری اقتصاد کمک می‌کند» (ONS, 2007: 1).

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بهره‌وری را چنین تعریف می‌کند: «بهره‌وری برابر با خارج قسمت خروجی بر یکی از عوامل تولید است. به عنوان مثال، بهره‌وری نیروی کار، نسبت خروجی تولید به ازای هر ساعت کارگر مشغول به کار است» (OECD, 2012).

بهره‌وری در مفهوم کلی به معنای نسبت ستانده به داده‌ها می‌باشد. «بهره‌وری در درجه اول، یک دیدگاه فکری است که همواره سعی دارد آنچه را که در حال حاضر موجود است، بهبود بخشد. بهره‌وری مبتنی بر این عقیده است که انسان می‌تواند کارها و وظایفش را هر روزه بهتر از روز پیش به انجام رساند. علاوه بر آن، بهره‌وری مستلزم آن است که به طور پیوسته تلاش‌هایی در راه انطباق فعالیت‌های اقتصادی با شرایطی که در حال تغییر است و همچنین تلاش‌هایی برای به کارگیری نظریه‌ها و روش‌های جدید، انجام گیرد» (ابطحی و کاظمی، ۱۳۸۰: ۶). همچنین پروکوپنکو^۲ «بهره‌وری را حاصل جمع کارایی و اثر بخشی می‌داند. کارایی را میزان مؤثر بودن منابع مورد استفاده برای تولید محصول مفید (انجام درست کار) و اثربخشی را میزان دستیابی به اهداف (انجام کار درست) تعریف می‌کند» (پروکوپنکو، ۱۳۷۹: ۲۳). به طور خلاصه می‌توان گفت بهره‌وری معیار سنجش

1. Office for National Statistics

2. Joseph Prokopenko

است برای عملکرد فعالیت‌های اقتصادی و در سطح ملی مهم‌ترین کارکردهای آن عبارت است از افزایش رفاه، ارتقاء توان رقابت اقتصاد ملی و بالاخره افزایش پایداری نظام ملی می‌باشد.

۲-۶. حقوق مالکیت

تعاریف مختلفی از حقوق مالکیت، ارائه شده است. نورث حقوق مالکیت را «حقوق افراد برای بهره‌مندی از منافع کار تحت تملک خود یا بهره‌مندی از منافع کالاها و خدماتی که آنها تصرف کرده‌اند»، تعریف می‌کند (نورث، ۱۳۷۷: ۵۶).

دوستو^۱ نیز حقوق مالکیت را این چنین تعریف می‌کند: «مالکیت حیطه‌ای است که در قالب آن، دارایی‌ها را شناسایی، بررسی و ترکیب کرده و به سایر دارایی‌ها ارتباط می‌دهیم» (دوستو، ۱۳۸۶: ۷۲). وی به طور کلی بیان می‌کند: «مالکیت رسمی چیزی بیش از یک نظام برای دادن عنوان مالکیت، ثبت و نقشه‌برداری دارایی‌ها می‌باشد؛ یک ابزار تفکر است که دارایی‌ها را به طریقی نشان می‌دهد که اذهان مردم بتوانند برای تولید ارزش اضافی روی آنها کار کنند» (همان: ۲۷۸). بنابراین مالکیت رسمی فقط محدود به مالک بودن صرف نیست؛ بلکه به افراد کمک می‌کند افکارشان را به آن جنبه‌هایی از دارایی و منابع‌شان که قابلیت انباشت سرمایه و تولید ارزش اضافی دارند، تمرکز کنند.

در رابطه با اهمیت حقوق مالکیت، دمستز^۲ نیز بیان می‌کند: «حقوق مالکیت ابزار یک جامعه است و اهمیتش را از این حقیقت می‌گیرد که به فرد کمک می‌کند تا منطقاً انتظاراتی را که می‌تواند در ارتباطش با دیگران داشته باشد، شکل دهد. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و سنن یک جامعه بیان می‌شود» (دمستز، ۱۹۶۷: ۷۱۶).

لنگرودی مالکیت را «حق استعمال و تصرفات به هر صورت از سوی مالک در ملک و مال خود بجز مواردی که در قانون استثناء شده باشد»، تعریف کرده است (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳۱۵۲).

لازم به ذکر است «حقوق مالکیت تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که شامل آداب، سنن و فرهنگ است. آنچه در حقوق مالکیت مهم است، امکان اجرایی شدن آن می‌باشد» (Cole, 2001: 10).

تضمین حقوق مالکیت موجب کاهش نااطمینانی و کاهش هزینه‌های مبادله در جامعه می‌شود. «کسب این حقوق، تابعی از قواعد حقوقی، شکل‌های سازمانی، اجرا و هنجارهای رفتاری و در یک کلام، تابع چارچوب نهادی است» (نورث، ۱۳۷۷: ۶۴). ساختار مالکیت هر جامعه تعیین می‌کند افراد چگونه از دارایی‌هایشان بهره ببرند. پس مالکیت از آن جهت اهمیت دارد که موجب شکل‌گیری

1. Hernando De Soto
2. Harold, Demsetz

عملکردهای اقتصادی متفاوت می‌گردد؛ چراکه «ساختار موجود حقوق مالکیت، رفتار اقتصادی انسان را هدایت می‌کند» (نورث، ۱۳۷۹: ۹۹).

۳. مساله تحقیق

در دهه‌های اخیر علی‌رغم افزایش درآمدهای نفتی، بهبود بهره‌وری در ایران بسیار ناچیز و در برخی موارد منفی بوده است. جدول (۱) معیارهایی را برای نشان دادن نقش درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰ به تصویر می‌کشد. همچنان که مشاهده می‌شود طی دو دهه مورد بررسی، سهم درآمدهای نفتی در کل صادرات و بودجه دولت قابل توجه است؛ به طوری که در ۲۴ ساله مورد بررسی بالغ بر ۸۷ درصد از منابع ارزی از طریق صادرات نفت تأمین شده است. سهم درآمدهای نفتی در بودجه یا میزان وابستگی بودجه به نفت نیز به طور متوسط ۵۷ درصد بوده است. سهم ارزش افزوده بخش نفت از کل ارزش افزوده نیز از ۴/۹ درصد در سال ۱۳۶۷ تا ۲۸/۲ درصد در سال ۸۴ متغیر است.

لازم به ذکر است که از سال ۱۳۸۴ رابطه مالی شرکت ملی نفت با دولت تغییر پیدا کرده است و استناد به درآمدهای نفتی ملحوظ در بودجه برای محاسبه سهم نفت در بودجه ما را دچار اشتباه می‌کند. به عنوان مثال به موجب قانون متمم بودجه سال ۱۳۸۴، سود علی‌الحساب سهم دولت از شرکت ملی نفت ایران ذیل سایر درآمدها طبقه‌بندی می‌شود. متعاقب آن، در تبصره ۱۱ قوانین بودجه سال‌های ۸۵ و ۸۶ نیز این شیوه تداوم یافت. به عبارت دیگر بخشی از عایدات حاصل از صدور نفت خام به شکل صوری جزء درآمدهای نفتی محسوب نمی‌شود. پرداخت مابه‌التفاوت به شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز و توانیر از محل حساب ذخیره ارزی نیز در سال‌های ۸۵ و ۸۶ در سقف ماده واحده لحاظ نشده است. بنابراین استناد به آمارهای درآمدهای نفتی موجود در قوانین بودجه برای محاسبه میزان وابستگی بودجه به نفت گویا نیست.

این در حالی است که از سال ۱۳۸۴ برداشت‌های دولت از حساب ذخیره ارزی نیز در بودجه کل کشور درج نشده است. بررسی درآمدهای مالیاتی نیز نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این درآمدها نیز به ارز حاصل از صادرات نفت بستگی دارد. به عنوان مثال ۳۳ درصد از درآمدهای مالیاتی، به ارز حاصل از صادرات نفت وابستگی دارد. و به عنوان مثال دیگر، ۳۳ درصد از درآمدهای مالیاتی، مالیات بر واردات است (یادگاری و عزیزخانی، ۱۳۸۷: ۱۰) و بیش از ۸۰ درصد منابع ارزی برای واردات نیز از صادرات نفت تأمین می‌شود. بنابراین ۲۵ (۰/۳۳×۰/۸) درصد مالیات‌ها نیز به صورت غیرمستقیم به درآمدهای نفتی وابسته است. علاوه بر موارد فوق، به این نکته نیز باید توجه نمود که عایدات نفتی با سه فرض ضمنی مورد محاسبه قرار می‌گیرند: مقدار نفت خام، قیمت هر واحد و نرخ ارزی که برای

تبدیل دلارهای نفتی به ریال استفاده می‌شود. بنابراین سهم نفت در بودجه از طریق نرخ ارز هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین آمارهای موجود در جدول (۱) حداقل سهم نفت در بودجه را نشان می‌دهد. سه ستون آخر جدول (۱) شاخص‌های بهره‌وری کل عوامل تولید، نیروی کار و سرمایه طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۶۷ را به نمایش می‌گذارد. همچنان که مشاهده می‌شود، شاخص بهره‌وری (سرمایه، نیروی کار و کل) طی سال‌های مورد بررسی، بهبود ناچیزی را به نمایش می‌گذارند. نتایج تحلیل کواریانس (جدول ۱ پیوست) حاکی از رابطه معکوس بین سهم صادرات نفت و گاز از کل صادرات و شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید و شاخص بهره‌وری نیروی کار است. رشد شاخص بهره‌وری کل عوامل (TFP) نیز، هم با سهم صادرات نفت و گاز از کل صادرات و هم با سهم ارزش‌افزوده بخش نفت از تولید ناخالص داخلی، دارای همبستگی منفی است. همچنان که پیش‌تر بیان شد، به دلیل عدم شفافیت آمارهای مالی دولت، سهم نفت در بودجه گویای جایگاه واقعی درآمدهای نفتی نیست. به همین دلیل، ارتباط شاخص‌های بهره‌وری با سهم نفت در بودجه نیز منطبق با واقعیات نخواهد بود.

جدول ۱. مقایسه شاخص‌های بهره‌وری و معیارهای نقش نفت در اقتصاد ایران طی
سال‌های ۹۰-۱۳۶۷

سال	شاخص بهره‌وری کل	شاخص بهره‌وری نیروی کار	شاخص بهره‌وری سرمایه	سهم صادرات نفت و گاز از کل صادرات	سهم درآمدهای نفت و گاز در بودجه	سهم ارزش افزوده بخش نفت و گاز در تولید ناخالص داخلی	ارزش نفت خام تولیدی کشور (میلیارد ریال ثابت ۷۶)
۱۳۶۷	۰.۶۷	۰.۷۶	۰.۶۲	۰.۹	۰.۳۹	۰.۱۶	۸۶۶۵/۲
۱۳۶۸	۰.۷۲	۰.۸	۰.۶۸	۰.۹۲	۰.۴۸	۰.۱۶	۱۴۳۲۲/۲
۱۳۶۹	۰.۸۳	۰.۹	۰.۸	۰.۹۳	۰.۶	۰.۱۷	۲۶۲۶۱/۸
۱۳۷۰	۰.۸۵	۰.۹	۰.۸۳	۰.۸۶	۰.۵۱	۰.۱۷	۲۱۶۸۱/۳
۱۳۷۱	۰.۸۸	۰.۹۳	۰.۸۵	۰.۸۵	۰.۵۲	۰.۱۷	۲۶۸۰۸/۳
۱۳۷۲	۰.۹	۰.۹۷	۰.۸۷	۰.۷۹	۰.۷۳	۰.۱۷	۷۰۷۳۹/۳
۱۳۷۳	۰.۹۱	۰.۹۷	۰.۸۸	۰.۷۵	۰.۷۳	۰.۱۶	۷۵۲۹۳/۷
۱۳۷۴	۰.۹۱	۰.۹۶	۰.۸۹	۰.۸۲	۰.۷۱	۰.۱۶	۶۷۰۸۳/۳
۱۳۷۵	۰.۹۷	۱	۰.۹۶	۰.۸۶	۰.۶۷	۰.۱۵	۶۶۲۲۶/۰
۱۳۷۶	۰.۹۵	۰.۹۷	۰.۹۴	۰.۸۳	۰.۵۸	۰.۱۴	۵۶۳۸۱/۹
۱۳۷۷	۰.۹۷	۰.۹۹	۰.۹۶	۰.۷۶	۰.۴۲	۰.۱۴	۳۰۴۰۷/۲
۱۳۷۸	۰.۹۶	۰.۹۷	۰.۹۶	۰.۸۲	۰.۴۸	۰.۱۳	۵۰۵۳۷/۹
۱۳۷۹	۱	۱	۱	۰.۸۵	۰.۵۷	۰.۱۳	۵۸۱۱۵/۶
۱۳۸۰	۱.۰۳	۱.۰۳	۱.۰۳	۰.۸۱	۰.۵۷	۰.۱۲	۶۵۴۷۱/۶
۱۳۸۱	۱.۰۷	۱.۰۷	۱.۰۸	۰.۸۲	۰.۶۲	۰.۱۱	۸۱۴۶۹/۹
۱۳۸۲	۱.۱۳	۱.۱۳	۱.۱۲	۰.۸	۰.۶۲	۰.۱۲	۸۳۸۹۰/۰
۱۳۸۳	۱.۱۴	۱.۱۶	۱.۱۴	۰.۸۳	۰.۵۹	۰.۱۲	۸۲۴۵۱/۱
۱۳۸۴	۱.۱۷	۱.۱۹	۱.۱۵	۰.۸۳	۰.۴۸	۰.۱۱	۹۵۵۹۵/۴
۱۳۸۵	۱.۲	۱.۲۳	۱.۱۸	۰.۸۱	۰.۴۴	۰.۱۱	۸۶۶۴۸/۴
۱۳۸۶	۱.۲۴	۱.۲۸	۱.۲	۰.۸۴	۰.۳۷	۰.۱	۶۸۵۵۶/۹
۱۳۸۷	۱.۳۱	۱.۳۷	۱.۱۶	۰.۸۱	۰.۳۶	۰.۱	
۱۳۸۸	۱.۲۴	۱.۳	۱.۱۶	۰.۷۵	۰.۲۵	۰.۰۹	
۱۳۸۹	۱.۲۹	۱.۳۷	۱.۱۹	۰.۷۶	۰.۵۳	۰.۰۹	
۱۳۹۰	۱.۳۱	۱.۴	۱.۲				

مأخذ: محاسبه محققان بر اساس بانک اطلاعات سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: [WWW.CBI.ir](http://www.CBI.ir) و سازمان بهره‌وری آسیایی: www.apo-tokyo.org/، تاریخ دسترسی ۱۳۹۲/۸/۱۴.

با توجه به جدول ۱ درحالی‌که ارزش نفت خام مصرف شده در کشور (اعم از ارز حاصل از صادرات نفت خام و مصرف داخلی که هر دو در اقتصاد مصرف شده‌اند)، طی سال‌های مورد بررسی با رشد ۸۰۰ درصدی مواجه بوده است اما شاخص‌های بهره‌وری (با فرض اینکه تنها خروجی اقتصاد، تولید ناخالص داخلی باشد)، دارای رشد ناچیز است. میانگین شاخص بهره‌وری با لحاظ سایر خروجی‌ها از جمله: رفاه، توسعه انسانی و سرمایه اجتماعی طی سال‌های وفور درآمدهای نفتی به شدت کاهش داشته؛ به طوری که از ۱۰۰ واحد در سال ۱۳۵۲ به ۵۲ واحد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (فتح‌اللهی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). بهره‌وری درآمدهای نفتی - که میزان کارآیی درآمدهای نفتی در اقتصاد را نشان می‌دهد- نیز از ۱۰۰ واحد در سال ۱۳۵۲ به ۳۰ واحد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (همان، ۱۵۹).

بنابراین سؤالی به این صورت مطرح می‌شود که چرا علی‌رغم بهبودهایی که در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات طی سال‌های مورد بررسی اتفاق افتاده، بهره‌وری درآمدهای نفتی افزایش نیافته است؟ به عبارت دیگر، چه رابطه‌ای بین درآمدهای نفتی و نحوه ورود آن به اقتصاد، با میزان بهره‌وری وجود دارد؟ به منظور پاسخگویی به پرسش پژوهش، در ابتدا ویژگی‌های اقتصاد دانش‌محور و اقتصاد رانتي بیان می‌شود. سپس رابطه نهادی بین اقتصاد رانتي و اقتصاد دانش‌محور تبیین می‌گردد و نشان داده می‌شود که نحوه هزینه کردن درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران با الزامات رشد بهره‌وری در عصر اقتصاد دانش‌محور سازگاری ندارد.

۴. ویژگی‌های اقتصاد دانش‌محور

اقتصاد دانش‌محور از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. در اینجا به تناسب موضوع تحقیق، به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود. دانش و نوآوری مهم‌ترین عوامل خلق ارزش افزوده و تولید ثروت در عصر اقتصاد دانش‌محور است. همچنین نوآوری، کلید اصلی پیشرفت فنی و منبع مهمی در جهت ارتقاء بهره‌وری محسوب می‌شود. دانش در این الگوی اقتصادی، محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی صنایع می‌باشد. در این اقتصاد استفاده از دانش، بیشتر از عوامل سنتی مانند نیروی کار و سرمایه، ارزش افزوده تولید می‌کند.

هر یک از فعالیت‌های انجام شده در جامعه، حتی فعالیت‌های غیرقانونی مانند سرقت، نیازمند نوع خاصی از دانش و مهارت است. بنابراین تنها یک نوع دانش در جامعه وجود ندارد. از منظر نقش‌آفرینی در تولید و رشد اقتصادی، دانش به دو گروه دانش مولد و دانش غیر مولد تقسیم می‌شود. نورث برای دانش مولد، فعالیت‌های جنرال‌موتورز و برای دانش غیر مولد، دانش‌های سازگار با مافیا را مثال می‌زند (نورث، ۱۳۷۷). تأکید اقتصاد دانش‌محور بر دانش‌های مولد است. تمایل افراد جامعه

به سمت کسب دانش‌های مولد یا غیر مولد به سازوکارهای انگیزشی برآمده از نهادهای جامعه بستگی دارد. ساختار اقتصاد رانتی، افراد را بیشتر به سمت کسب دانش‌های غیر مولد هدایت می‌کند. امروزه بر اساس نتایج بررسی‌ها، می‌توان گفت «بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی اکثر کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا، از فعالیت‌های دانش‌محور حاصل می‌شود» (OECD, 1996: 9). دانش به عنوان مهم‌ترین عامل تولید در کنار سایر عوامل قرار گرفته و نقش کلیدی را در تولید دارد. «دانش و اطلاعات گرایش به فراوانی دارند. آنچه کمیاب است، ظرفیت استفاده از آنها است» (OECD, 1996: 11). «کشورهای آسیای شرقی با وجود کمیابی منابع، با بهره‌گیری از دانش و نوآوری و با تکیه بر تولید کالاهای دانش‌پر توانسته‌اند به رشد چشمگیری دست یابند. با توجه به کمیابی منابع طبیعی و رشد پایدار جمعیت، دانش و فناوری جدید، تنها ابزارهایی هستند که می‌توان توسط آنها بر کمیابی منابع غلبه کرد» (Bormotov, 2010: 13). «دانش به عنوان یک پتانسیل نامحدود و حتی کاملاً غیرکمیاب در نظر گرفته می‌شود» (Ibid: 15).

دانش را هرچه بیشتر به کار بریم، بدان افزوده شده، به طوری که به دنبال استفاده از دانش، دانش‌های جدید خلق می‌شود. رونی بیان می‌کند که «یک ویژگی دانش این است که دانش از طریق تسهیم و مبادله رشد می‌کند. همچنان که افراد ایده‌های خود را در گفتگوها با هم تبادل می‌کنند، دانش خود را نیز افزایش می‌دهند و به احتمال زیاد دانش جدیدی را خلق می‌کنند» (Rooney et al., 2003). اقتصاد دانش‌محور بر نوآوری و خلق ایده‌ها متکی است نه بر منابع فیزیکی. «در اقتصاد دانش‌محور، سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی از رشته فعالیت‌های مبتنی بر دانش و دانش‌بر، مانند صنایع با فناوری برتر و متوسط و خدمات مالی و تجاری دانش‌محور حاصل می‌شود. دانش، بیش از عوامل سنتی نظیر کار و سرمایه موجب تولید می‌شود و ارزش بسیاری از شرکت‌های نرم‌افزاری و فناوری، ناشی از دارایی‌های فیزیکی آنان نمی‌باشد، بلکه نتیجه سرمایه‌های غیر ملموس آنها یعنی دانش و مجوزها و امتیازات علمی آنهاست» (OECD, 1996: 9).

یکی از قوانین علم اقتصاد، قانون نزولی بودن بازدهی نهایی عوامل تولید است؛ بدین معنی که با استفاده بیشتر از یک عامل تولیدی در فرایند تولید و با فرض ثبات سایر عوامل، با بازده نزولی مواجه خواهیم شد. اما در اقتصاد دانش‌محور ما با بازدهی نهایی صعودی عامل دانش مواجه هستیم. مؤمنی در این باره بیان داشته است که «آنچه در نهایت اختصار، درباره انقلاب دانایی می‌شود ذکر کرد، این است که در اثر انقلاب دانایی، با شرایطی روبرو هستیم که دانایی وارد تابع تولید شده و بازدهی‌ها صعودی می‌شوند که این امر منشأ یک سلسله تحولات مهم می‌شود» (مؤمنی، ۱۳۹۰). مانند اینکه: در جریان تولید و استفاده از دانش، به علت فرایند بازخوردی دانش، بازده نهایی استفاده از آن نزولی نخواهد شد، بلکه بازده نهایی صعودی نیز خواهد داشت. زیرا استفاده و مبادله دانش در جریان تولید،

امکان خلق ایده‌های جدید را به وجود می‌آورد. بنابراین، استفاده از دانش در فرایند تولید، منجر به افزایش سطح بهره‌وری خواهد شد.

بنابراین در اینجا سرمایه انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. انسان می‌تواند با کسب دانش و مهارت به نوآوری و خلق ایده دست یابد. «در این اقتصاد، دانش که مهم‌ترین عامل تولید است، توسعه یافته و به روش‌های نوینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین چرخه‌های تولید کوتاه‌تر شده و نیاز به نوآوری و ابتکار به اوج می‌رسد» (بانک جهانی، ۱۳۷۸: ۴۳). همان طور که بیان شد تولیدکننده ایده، انسان است. بنابراین تحقق اقتصاد دانش‌محور نیازمند انسان‌های توسعه یافته است. «مدل‌های رشد نئوکلاسیک از عوامل تولید کار و سرمایه تشکیل شده‌اند. اما مدل‌های رشد باید شامل همه عوامل درونزای مؤثر بر رشد باشند و نباید عوامل دیگر رشد را نادیده بگیرند. مدل‌های رشد علاوه بر نیروی کار و سرمایه، باید شامل عواملی مانند سرمایه انسانی و دانش باشند» (Bormotov, 2010: 8). انسان‌های توسعه یافته با نگرش و فرهنگ درست و با مهارت‌ها و توانمندی‌های خود می‌توانند به تولید دانش بپردازند. همچنین با تولید دانش و نوآوری سطح بهره‌وری را ارتقاء دهند.

بنابراین آنچه گفته شد، در اقتصاد دانش‌محور، مهم‌ترین عامل خلق ارزش افزوده و بهبود بهره‌وری، خلق دانش و نوآوری‌های مولد است. اکنون باید تأثیر اقتصاد رانتي بر این منشأ اصلی بهبود بهره‌وری در اقتصاد دانش‌محور مورد بررسی قرار گیرد.

۵. ویژگی‌های درآمدهای رانتي

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که درآمدهای رانتي دارای چند ویژگی زیر هستند که موجب می‌شود آنها تأثیرات خاصی بر ساختار اقتصادی به جای بگذارند:

الف) اگر درآمدهای رانتي حداقل ده درصد از درآمد ملی را تشکیل دهد، با اتکا به حجم و اندازه خود می‌توانند در اقتصاد موج ایجاد نمایند و به ساختار اقتصادی شکل دهند.

ب) در کشورهای در حال توسعه معمولاً مالکیت و در نتیجه توزیع درآمدهای رانتي در اختیار دولت قرار می‌گیرد. در نتیجه از آنجا که دولت یک نهاد سیاسی است و اغلب بر اساس معیارهای سیاسی تصمیم می‌گیرد، توزیع رانت بر اساس منطق‌های سیاسی صورت می‌گیرد و نه بر اساس منطق اقتصادی.

پ) درآمدهای رانتي ناشی از تولید و تلاش مردم نیستند و برخلاف مالیات‌ها از درآمدهای مردم اخذ نشده‌اند و بنابراین، مردم انگیزه کمتری برای حساسیت در مورد چگونگی هزینه کردن آن درآمدها از خود نشان می‌دهند. در نتیجه دولت‌ها آزادی عمل بیشتری در مورد تصمیم‌گیری برای چگونگی هزینه کردن این‌گونه درآمدها دارند.

ت) درآمدهای رانتی حداقل در دوران رونق‌شان، به مردم و دولت‌ها اجازه می‌دهد که قلمرو حق انتخاب سبد مصرفی خود را از لحاظ ارزش اقتصادی گسترش دهند و فرصت‌های بسیار شیرینی برای مصرف آنچه خود تولید نکرده‌اند، در اختیار دولت‌ها و مردم قرار می‌دهد. در نتیجه مردم و دولت برای تعدیل تراز پرداخت‌های خارجی و تأمین نیازمندی‌های خود در فشار جدی نیستند که بخواهند به اندازه کافی به بهبود کمی و کیفی تولید ملی خود فکر کنند و با اصلاح آن، نیازها را تأمین کنند. در نتیجه، تولید و بهره‌وری به مساله‌ای لوکس تبدیل شده و به مقدار زیادی مورد غفلت قرار می‌گیرد. ث) سازمان‌های دولتی، مناطق مختلف کشور و همه مؤسساتی که می‌توانند به نوعی از درآمدهای رانتی استفاده نمایند و برخوردار شوند، همگی گمان می‌کنند که توزیع درآمدهای رانتی بر اساس منطق‌های سیاسی و ارتباطات و چانه‌زنی‌ها صورت می‌گیرد و نه بر اساس منطق برنامه‌ریزی اقتصادی سنجیده و اندیشیده شده. در نتیجه، همه آنها تمام توان خود را در بزرگ و ضروری جلوه دادن نیازها و مصارف خود برای کسب سهم بیشتری از رانت نشان می‌دهند و هر سال در فرایند تدوین و تصویب لایحه بودجه به دنبال سهم خواهی بیشتر از کیک رانت هستند. به مرور، این فرایند به یک فرهنگ و مسابقه برای رانت خواری تبدیل می‌شود؛ بدون اینکه الزامات تولید و بهره‌وری ملی مورد اولویت قرار گیرد.

ج) میزان بهره‌مندی کارگزاران اقتصادی و غیراقتصادی کشور از درآمدهای رانتی نیازمند برخورداری از دانش‌ها و مهارت‌های خاصی است. بخش خصوصی نیازمند مهارت برقراری ارتباط با سازمان‌های دولتی توزیع رانت و انعقاد قراردادهای سودمند و جذاب در این رابطه است. بنابراین باید بتواند رضایت مدیران دولتی را جلب نماید. اگر این کار را از طریق روش‌های خلاف قانون مانند دادن رشوه، انجام دهد، انگیزه قوی برای گسترش فساد اداری در کشور شکل می‌گیرد. اگر هم از کانال‌های قانونی اهداف خود را دنبال کند، حداقل نیازمند مهارت‌های لازم برای نشان دادن هماهنگی، همدلی و حمایت خود از اهداف و جهت‌گیری‌های سیاسی دولت است. هر دو فرایند مذکور نیازمند دانش‌ها و مهارت‌های خاص می‌باشد. که این دانش‌ها و مهارت‌ها هیچیک مولد نیستند بلکه هر یک به نوعی ضد تولید و بهره‌وری می‌باشند.

ویژگی‌های گفته شده دارای برخی آثار و روابط علی نهادی بر خلق دانش و نوآوری در جامعه هستند و از این طریق، تحقق اقتصاد دانش‌محور و بهبود بهره‌وری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این آثار نهادی، همان مجراهای تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر عدم تحقق اقتصاد دانش‌محور هستند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۶. مجراهای تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر عدم تحقق اقتصاد دانش‌محور

درآمدهای نفتی به طور مستقیم وارد ساختار اقتصادی کشور نمی‌شود، بلکه تحت تأثیر چارچوب نهادی جامعه به درون اقتصاد راه می‌یابد. بر این اساس، نهادها نقش کلیدی را در نوع و نحوه توزیع و هزینه کردن درآمدهای نفتی بازی می‌کنند. اگر چارچوب نهادی کارا و مجموعه نهادها در جهت تشویق فعالیت‌های مولد و توسعه پایدار باشد، درآمدهای نفتی تبدیل به موهبت شده و در غیر این صورت، منابع نفتی تبدیل به مصیبت خواهد شد. «رانت نفت در کشورهایی که دارای چارچوب نهادی - ساختاری با کیفیت مناسب هستند، بدل به موهبت و در کشورهایی که دارای چارچوب نهادی - ساختاری با کیفیت پایین هستند، بدل به مصیبت می‌شود (مهرآرا و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳۰)؛ بنابراین منطق استنتاجی تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر عدم بهبود بهره‌وری و عدم تحقق اقتصاد دانش‌محور به این شرح است:

۶-۱. جهت‌دهی به راستای کسب دانش به سمت دانش‌های غیر مولد

انجام هر فعالیتی مستلزم یادگیری دانش و مهارت در آن زمینه است. دزدی موفق است که در زمینه دزدی، مهارت و دانش لازم را کسب کند. همان طور که نورث بیان می‌کند: «مافیا در مقایسه با مدیران جنرال موتورز مهارت‌های متفاوتی را بسط خواهند داد، و یا به عنوان یک مثال پیش‌پا افتاده در تاریخ اقتصادی، مهارت و دانش مورد نیاز ماجراجویان تجارت پیشه با مهارت و دانش لازم برای موفقیت بنگاه مدرن صادرکننده منسوجات بسیار متفاوت است» (نورث، ۱۳۷۷: ۱۲۳). در نتیجه، هر فعالیتی دانش مختص خود را می‌طلبد.

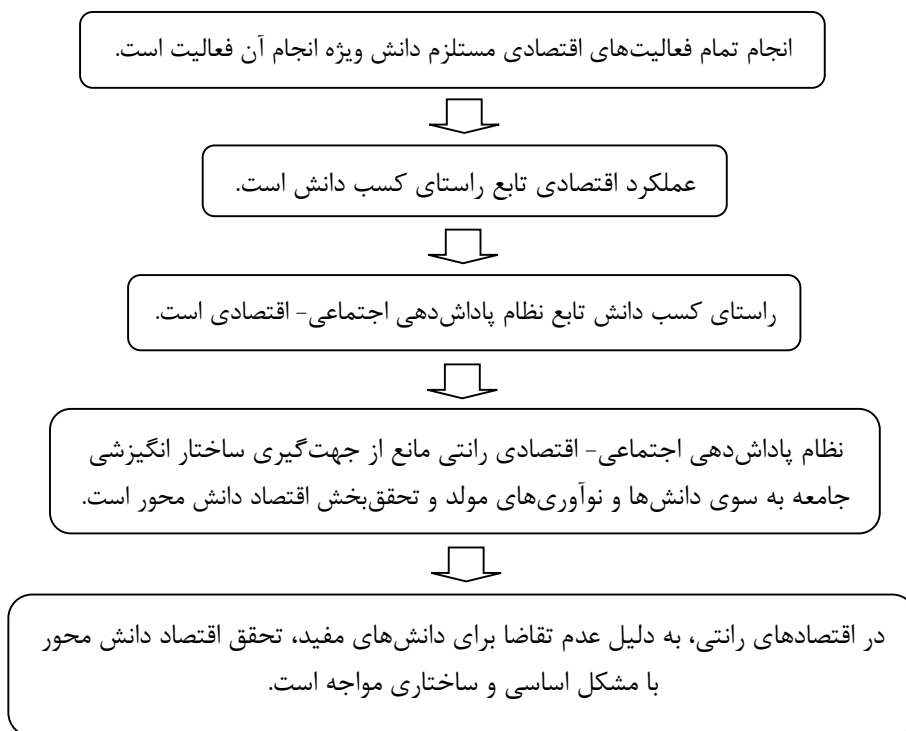
با توجه به این مطالب، می‌توان دانش را به دو نوع، دانش مولد (ثمربخش) و دانش غیر مولد (غیر ثمربخش) تقسیم کرد. اینکه ما به سمت کسب دانش مولد برویم یا دانش غیر مولد، به ساختار و چارچوب نهادی که در آن هستیم، بستگی دارد. چارچوب نهادی، فرصت‌هایی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که این فرصت‌ها یا به دانش مولد منتج می‌شود یا به دانش غیر مولد. «نهادها همواره آمیخته‌ای بودند و هستند از چیزهایی که موجب افزایش بهره‌وری تولید می‌شوند و چیزهایی که آن را کاهش می‌دهند» (نورث، ۱۳۷۷: ۲۸). ساختار هزینه کردن درآمدهای رانتی به دلیل وجود منبع چشمگیر و ارزشمند رانت، بیشتر مشوق فعالیت‌های معطوف به توزیع مجدد درآمدهای رانتی است. در نتیجه در این ساختار اقتصادی، انگیزه کافی برای فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری در دانشی که تولید را افزایش دهد و باعث رشد بهره‌وری شود، شکل نمی‌گیرد. «برای اینکه ببینیم چه نوع تقاضایی برای انواع دانش و مهارت وجود دارد، باید زمینه‌های نهادی را بررسی کنیم» (همان: ۱۲۷).

اگر زمینه نهادی، کسب درآمدهای رانتی را گسترش دهد، افراد جامعه به دنبال کسب دانش در این زمینه ترغیب می‌شوند. در اقتصادهای رانتی، بخش قابل توجهی از درآمد ملی، ناشی از کار و تولید نیست. بنابراین، مردم نیز برخلاف درآمدهای مالیاتی دولت، انگیزه زیادی برای نظارت و حساسیت در مورد چگونگی هزینه کردن آن ندارند. در نتیجه این امکان برای دولت فراهم می‌شود که به صلاحدید خود و بدون نظارت‌های جدی، این درآمدها را هزینه کند (خضری، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۴).

حجم چشمگیر این درآمدها نیز بخش خصوصی را ترغیب می‌کند تا بیش از هر عمل تولیدی، به دنبال کسب سهم هر چه بیشتر از منبع رانت باشند. به عبارت دیگر، چارچوب و راستای نهادی اقتصادهای رانتی، توزیع مجدد را به یکی از جذاب‌ترین و سودآورترین فرصت‌های اقتصادی مبدل می‌سازد و انگیزه‌های کارگزاران اقتصادی از افزایش بهره‌وری که گامی در راستای بهبود اقتصادی است، به سمت رانت بری منحرف می‌کند. بنابراین، در این اقتصادها تقاضای کسب دانش و مهارت به سمت دانش‌های مافیایی و غیر مولد متمرکز می‌شود؛ یعنی فعالیت‌های رانت‌جویانه که به دنبال یافتن سهم بیشتری از درآمدهای نفتی هستند. پس به دنبال کسب دانش مافیایی (غیر مولد) می‌روند. در واقع ساختار و چارچوب نهادی کسب این درآمدها، این نوع دانش را می‌طلبد؛ زیرا همچنان که پیش‌تر نیز گفته شد، چارچوب نهادی راستای کسب دانش و مهارت را تعیین می‌کند.

بر اساس آنچه گفته شد، در اقتصادهای رانتی، راستای کسب دانش جامعه به سمت یادگیری دانش‌های غیر مولد، جهت‌گیری می‌نماید. در نتیجه، بهبود بهره‌وری بویژه در عصر اقتصاد دانش بنیان که دستیابی و کاربرد دانش مولد مهم‌ترین عامل تولید آن است، بسیار دور از دسترس می‌گردد.

نمودار ۲. ارتباط نوع فعالیت‌ها در هر اقتصاد با درآمدهای رانتي



به منظور بررسی میزان تولیدی بودن دانش تولیدی و مقالات تألیف شده در کشور، تعداد مقالات را با نرخ افزایش تولید ناخالص داخلی مقایسه می‌کنیم. همچنان که در جدول (۲) دیده می‌شود، طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، تعداد مقالات علمی تألیف شده توسط ایرانیان از ۱۴۶۴ به ۲۱۰۳۸ مقاله رسیده، یعنی تقریباً، ۱۵ برابر افزایش یافته است؛ در حالی که در همین دوره زمانی، تولید ناخالص داخلی ایران از ۱۰۱ میلیارد دلار به ۵۱۴ میلیارد دلار آمریکا افزایش یافته است (معادل حدود ۵ برابر افزایش). این امر نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی در ایران، تابع میزان دانش تولید شده در کشور نمی‌باشد. به عبارت دیگر، دانش تولید شده در کشور، دانش مولد نمی‌باشد و قادر به بهبود جدی تولید ناخالص کشور نمی‌باشد.

آمارهای مشابه آمارهای مورد بحث در دوره زمانی گفته شده نشان‌دهنده ۳/۷ برابر شدن تعداد مقالات و حدود سه برابر شدن تولید ناخالص داخلی ترکیه است که نشان‌دهنده وجود یک رابطه

معنی‌دار بین خلق دانش و تولید ناخالص داخلی در کشور ترکیه است. آمارهای مورد نظر در جهان نیز به ترتیب رشد تولید ناخالص ۱۱۷ درصد و رشد مقالات ۱۶ درصد است. به عبارت دیگر، در دنیا به ازاء هر یک درصد رشد در تعداد مقالات تألیف شده، تولید ناخالص داخلی، ۷ درصد رشد یافته است. رقم مشابه برای ترکیه ۱ درصد اما برای ایران تنها ۰/۳ درصد، و به عبارت دیگر، مقالات تألیف شده در ایران حاوی دانش مولد نیست و قادر به بهبود وضع تولید و بهره‌وری در ایران نبوده است.

جدول ۲. مقایسه تولید ناخالص داخلی و تعداد مقالات تألیف شده ایران با ترکیه و جهان

سال	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار آمریکا)				مقالات			
	جهان	ترکیه	سهم از جهان	ایران	جهان	ایران	سهم از جهان	ترکیه
۲۰۰۰	۳۲,۳۴۷	۲۶۷	۰.۸۲	۱۰۱	۱۲۵۷۹۵۷	۱۴۶۴	۰.۱۲	۶۴۲۸
۲۰۰۱	۳۲,۱۵۸	۱۹۶	۰.۶۱	۱۱۵	۱۲۳۷۹۲۳	۱۷۹۹	۰.۱۵	۷۸۰۶
۲۰۰۲	۳۳,۴۰۸	۲۳۳	۰.۷۰	۱۱۶	۱۲۸۶۶۹۵	۲۴۵۱	۰.۱۹	۱۰۳۰۹
۲۰۰۳	۳۷,۵۸۹	۳۰۳	۰.۸۱	۱۳۵	۱۳۲۸۴۰۳	۳۲۹۲	۰.۲۵	۱۲۴۴۶
۲۰۰۴	۴۲,۳۰۲	۳۹۲	۰.۹۳	۱۶۳	۱۴۱۰۲۴۷	۴۳۱۸	۰.۳۱	۱۵۵۰۲
۲۰۰۵	۴۵,۷۴۱	۴۸۳	۱.۰۶	۱۹۲	۱۴۹۳۴۲۶	۵۶۲۳	۰.۳۸	۱۶۷۲۸
۲۰۰۶	۴۹,۵۶۳	۵۳۱	۱.۰۷	۲۲۳	۱۵۵۳۳۶۴	۷۳۶۴	۰.۴۷	۱۸۹۵۵
۲۰۰۷	۵۵,۹۰۷	۶۴۷	۱.۱۶	۲۸۶	۱۶۴۳۴۶۴	۱۰۷۰۳	۰.۶۵	۲۲۰۳۸
۲۰۰۸	۶۱,۳۷۸	۷۳۰	۱.۱۹	۳۵۶	۱۷۱۸۵۹۲	۱۳۵۰۵	۰.۷۹	۲۳۲۵۹
۲۰۰۹	۵۸,۱۳۲	۶۱۵	۱.۰۶	۳۶۳	۱۷۵۷۳۰۵	۱۶۴۱۰	۰.۹۳	۲۵۴۴۶
۲۰۱۰	۶۳,۵۰۸	۷۳۱	۱.۱۵	۴۲۳	۱۷۴۱۹۶۵	۱۸۲۸۶	۱.۰۵	۲۶۰۷۸
۲۰۱۱	۷۰,۴۴۲	۷۷۵	۱.۱۰	۵۱۴	۱۴۵۸۱۳۱	۲۱۰۳۸	۱.۴۴	۲۳۹۱۶
نرخ رشد ۱۲ ساله (درصد)	۱۱۷.۸	۱۹۰.۶	۳۳.۵	۴۰۷.۵	۱۳۳.۱	۱۵.۹	۱۱۳۹.۷	۲۷۲.۱

Source: Islamic World Science Citation Center, 2013 & World Bank, 2013.

۲-۶. عدم ثبات و ناامن سازی حقوق اقتصادی و بویژه حق مالکیت

همچنان که نورث گفته است: «راستای کسب دانش عامل تعیین کننده توسعه بلند مدت آن جامعه خواهد بود» (نورث، ۱۳۷۷: ۱۲۸). در جوامعی که سهم درآمدهای نفتی، در بودجه قابل توجه است، نحوه هزینه کردن این درآمدها و چارچوب نهادی آن، راستای کسب دانش را تعیین می‌کند. شکل هزینه کردن درآمدهای نفتی اگر به صورت درآمدهای رانتی و توزیع مجدد این نوع درآمدها باشد، راستای کسب دانش نیز به آن سو خواهد بود.

درآمدهای رانتهی نفتی کشور را قادر می‌سازد که نیازهای وارداتی خویش را با اتکا به درآمدهای رانتهی و بدون نیاز به صادرات غیر نفتی و درآمدهای حاصل از آن تأمین کند. در نتیجه، کشور از رقابت برای صادرات و بهبود تکنولوژی و افزایش بهره‌وری بی‌نیاز می‌شود.

بررسی‌ها حاکی از آن است که حدود ۵۰ درصد از تولیدات صنعتی ایران را محصولات منبع گرا تشکیل می‌دهند. حدود ۲۰ درصد از محصولات صنعتی نیز اختصاص به صنایع با فناوری ساده دارد. بنابراین مجموع صنایع منبع گرا و ساده حدود ۷۰ درصد تولیدات صنعتی ایران را تشکیل می‌دهد که بیانگر سطح پایین فناوری صنعتی ایران است. محصولات با فناوری متوسط نیز اندکی کمتر از ۳۰ درصد از تولیدات صنعتی ایران را شامل می‌شود که بیشتر شامل صنایع پتروشیمی و شیمیایی می‌باشد. بخش صنایع با فناوری بالا نیز سهم بسیار ناچیزی بین ۱/۹ تا ۲/۵ درصد از کل محصولات صنعتی ایران را شامل می‌شود که بخش عمده آن محصولات الکترونیکی است (جهانگرد، ۱۳۸۵: ۲۱۸). بنابراین ساختار اقتصاد ایران از منظر سطح فناوری به کار برده شده در تولید، بیشتر (بیش از ۷۰ درصد) مبتنی بر تولید کالاهای منبع گرا و دارای تکنولوژی سطح پایین است و سهم تولید کالاهای با تکنولوژی سطح بالا بسیار ناچیز است.

بررسی سبد صادراتی ایران به کشورهای اروپایی حاکی از آن است که بیش از ۹۰ درصد از صادرات ایران به اروپا، مواد اولیه می‌باشد و تنها هفت درصد از صادرات شامل کالاهای تولید شده می‌باشد. در بین کالاهای تولید شده هم، بیشترین سهم مربوط به آهن و فولاد و مواد شیمیایی است که در فرایند تولید آنها از تکنولوژی متوسط استفاده می‌شود و سهم تجهیزات مخابراتی که تولید آنها مبتنی بر استفاده از تکنولوژی پیشرفته است، صفر می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳. سبد صادراتی ایران به کشورهای عضو اتحادیه اروپا

شرح	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰
۱- مواد اولیه	۹۳/۹	۹۲/۹	۹۲/۸
محصولات کشاورزی	۲/۶	۲/۴	۲/۷
سوخت و مواد معدنی	۹۱/۴	۹۰/۵	۹۰/۱
۲- تولیدات	۵/۸	۶/۹	۷/۱
آهن و فولاد	۲/۸	۱/۱	۰/۶
مواد شیمیایی	۱/۱	۴/۴	۵/۲
کالاهاى نیم ساخته	۰/۲	۰/۱	۰/۱
تجهیزات مخابراتی	۰	۰	۰
تجهیزات حمل‌ونقل	۰/۱	۰/۲	۰/۱
دیگر ماشین‌آلات	۰/۲	۰/۴	۰/۳
پارچه	۰/۱	۰/۵	۰/۵
پوشاک	۰	۰	۰
تولیدات دیگر	۰/۳	۰/۲	۰/۱
۳- سایر کالاها	۰/۱	۰/۱	۰/۱

مأخذ: <http://ec.europa.eu/trade>، تاریخ دسترسی ۲۰۱۳/۲/۴

شواهد فوق نشان‌دهنده عدم بهبود قابل توجه تکنولوژی در عرصه تولید است. به عنوان مثال، در حالی که در دوره آماری مورد نظر، حدود ۹۳ درصد از صادرات ایران به اروپا را مواد خام تشکیل می‌دهد، صادرات کالاهاى داراى تکنولوژی بالا مانند تجهیزات مخابراتی، صفر درصد است. کشور ما با درآمدهای نفتی و باز توزیع این درآمدها از فراگیری دانش مولد به دور مانده، که این راستای کسب دانش سبب تداوم کاهش بهره‌وری و بنابراین، تداوم توسعه نیافتگی شده است. «نوع دانش، مهارت و علمی که اعضای سازمان فرامی‌گیرند، نشانگر پاداش یا به عبارتی محرک‌هایی است که در محدودیت‌های نهادی حک شده‌اند» (نورث، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

در اینجا نظام پاداش‌دهی در نوع کسب دانش حائز اهمیت و قابل تأمل است. اگر در کسب دانش برای فعالیت‌های تولیدی، پاداشی وجود نداشته باشد، افراد انگیزه‌ای برای صرف وقت و تلاش جهت کسب آن نخواهند داشت. برای مثال، عمل سرقت را در نظر بگیریم؛ در ضمن آن، بدون اینکه به

تولید چیزی اضافه شود، ثروتی از مالک به سارق منتقل می‌شود. حال اگر در جامعه‌ای فرصت سرقت وجود داشته باشد، افراد تشویق می‌شوند توان و نیروی خود را در این کار سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین افراد دانش و مهارت‌های مورد نیاز در این راستا را کسب می‌کنند که غیر مولد و ضد بهره‌وری است. درآمدهای رانتی نیز برای افراد، فرصتی را ایجاد می‌کند که آنها با توجه به نظام پاداش دهی اجتماعی به کسب دانش در این زمینه ترغیب شوند. «انگیزش‌هایی که جزئی از چارچوب نهادی می‌شوند، نقش تعیین‌کننده در شکل گرفتن انواع مهارت‌ها و دانش‌هایی که پاداش در بردارند، ایفا می‌کنند» (نورث، ۱۳۷۷: ۱۲۸).

ساختار رانتی، ساختار انگیزشی در هر جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در واقع ساختار انگیزشی در هر جامعه تعیین می‌کند که اعضای آن، دانش، یادگیری و تلاش‌های خود را صرف تولید و بهره‌وری و در نتیجه در راستای تحقق اقتصاد دانش‌محور تنظیم کنند یا صرف یادگیری دانش، در جهت یافتن فرصت‌های رانت‌جویی. «نوع یادگیری تابعی از پاداش مورد انتظار انواع متفاوت دانش است. مسیری که بنگاه یا سازمان اقتصادی دنبال می‌کند به استنباط ذهنی‌ای وابسته است که از پاداش وجود دارد» (نورث، ۱۳۷۷: ۱۳۰). پس راستای کسب دانش را می‌توان در استنباط‌های ذهنی افراد که وابسته به نظام پاداش دهی است، جستجو کرد. انسان وقتی بین کار و آنچه با کار به دست می‌آید، رابطه‌ای نبیند، از سعی و تلاش ناامید می‌شود. درآمدهای رانتی منجر به پیدایش نهادهایی می‌شود که به فعالیت‌های محدودکننده تولید، پاداش می‌دهند.

باید به یاد داشت که همه نهادها لزوماً کارا نیستند. «نهادها لزوماً و حتی غالباً ایجاد نمی‌شوند تا از نظر اجتماعی کارآمد باشند؛ بلکه بیشتر این نهادها یا حداقل قواعد رسمی، ایجاد می‌شوند تا در خدمت آنهایی باشند که برای ایجاد قواعد جدید، قدرت چانه‌زنی دارند» (نورث، ۱۳۸۵: ۹۵). در کشورهای با درآمدهای رانتی، سازمان‌ها، افراد را بیشتر به سرمایه‌گذاری در دانش و مهارت‌هایی تشویق می‌کنند که در جهت افزایش سودآوری آنها باشد. مقامات و متصدیان اقتصادی با استفاده از موقعیت، قوانین و چارچوب نهادی را در جهت هدایت می‌کنند که در بردارنده فرصت‌های رانت‌جویی باشد، با استفاده از قدرت چانه‌زنی که دارند، می‌توانند قوانین و مقررات را به نفع خود تغییر دهند. این امر موجب عدم ثبات حقوق اقتصادی و بویژه حق مالکیت می‌شود. نظام حقوق اقتصادی از جمله حقوق مالکیت که بر انگیزش افراد اثر می‌گذارد، وقتی که ثبات نداشته باشد و همیشه دستخوش تغییر باشد، نتیجه آن، افزایش هزینه مبادله و کاهش بهره‌وری می‌باشد. لذا هیچ توجیه اقتصادی برای فعالیت‌های مولد اقتصادی باقی نخواهد ماند.

درآمدهای رانتی، ساختار حقوق مالکیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ساختار حقوق مالکیت نیز رفتار اقتصادی انسان را هدایت می‌کند و بر ساختار انگیزشی و جهت تلاش او مؤثر است. بنابراین در

این چارچوب و با این قوانین، افراد رفتاری متفاوت خواهند داشت. وقتی که توفیق یا شکست در یک فعالیت تولیدی به رابطه بستگی داشته باشد و حقوق مالکیت افراد متزلزل باشد، دیگر انگیزه‌ای برای کسب دانش در جهت فعالیت‌های تولیدی وجود نخواهد داشت. همان طور که کوز^۱ نیز بیان می‌کند: «بهره‌وری سیستم اقتصادی وابسته به تخصصی شدن امور و تقسیم کار است و هرچه هزینه مبادله کمتر باشد امکان مبادله و تخصصی شدن امور بیشتر است» (Coase, 1998: 73).

از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت اگر حقوق مالکیت شفاف و به صورت دقیق اجرا شود، انگیزه برای فراگیری دانش در مسیر تولید وجود دارد اما در جایی که حقوق مالکیت خوب تعریف نشده باشد و تغییر آن به راحتی امکان‌پذیر باشد (در اقتصاد رانتی)، انگیزه‌ها در مسیر دانش غیر مولد سامان‌دهی می‌شود. «سازمان‌ها، جامعه را به سرمایه‌گذاری در انواع دانش و مهارت‌هایی تشویق می‌کند که به طور غیرمستقیم، قابلیت سودآوری آنها را افزایش دهد. این نوع سرمایه‌گذاری بر رشد بلند مدت دانش و مهارت، که عوامل اصلی تعیین‌کننده رشد اقتصادی‌اند، تأثیر خواهد گذارد» (نورث، ۱۳۷۷: ۱۳۰). درآمدهای نفتی و مخارج دولتی در جهت توسعه و رشد اقتصادی به کار نخواهد رفت و دانش و مهارت‌های مناسب برای توسعه کسب نخواهد شد.

بنابراین هر مجموعه نهادی، نوع خاصی از دانش را تقاضا می‌کند و تقاضا برای دانش منجر به تقاضا برای افزایش ذخیره دانش و توزیع آن می‌شود. در اینجا درآمدهای رانتی منجر به توزیع و ذخیره دانش مافیایی می‌شود و نوع تقاضا نیز در همین راستا و برای کسب بیشتر دانش غیر مولد خواهد بود. در جایی که سرمایه انسانی محرک و تولیدکننده اصلی نوآوری و ایده است، ساختار درآمدهای رانتی فعالیت‌ها را از کار، به رابطه مبدل می‌کند. در نتیجه، نیروی مولد کشور به جای اندیشیدن درباره راهکارهای نوآوری و خلاقیت به چگونگی دسترسی و سازوکارهای منتهی به منابع رانتی می‌اندیشد و اینکه چگونه می‌تواند به منبع رانت دسترسی پیدا نماید. در این میان، نیروهای موفق با دستیابی به این شبکه و اتکا به منابع نفتی و گذاشتن مقررات دست و پاگیر، عرصه را بر دیگر بازیگران اقتصادی تنگ می‌نمایند. اما در اقتصاد دانش‌محور، سرمایه انسانی می‌تواند از سرریزهای جهانی دانش بهره‌برداری کند و با استفاده از این دانش، به خلق ایده و نوآوری بپردازد.

ابداع و نوآوری مستلزم سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه است. با توجه به اینکه ابداع و نوآوری هزینه‌بر و زمان‌بر است، بنابراین عاملان و تنظیم‌کنندگان اقتصاد که از درآمدهای رانتی (نفتی) در جهت اهداف و هم‌سودی گروه‌های خود استفاده می‌کنند، با ایجاد قوانین و بی‌ثباتی سیاسی مانع از سرمایه‌گذاری در تحقیق می‌شوند. همچنین نوآوری و تولید کالاهای جدید، مستلزم تضمین حقوق مالکیت افراد می‌باشد و تا زمانی که افراد از تضمین فکر و ایده‌های خود مطمئن نباشند که دیگر

افراد و بنگاه‌ها بدون پرداخت نمی‌توانند به دستاوردهای آنان دست‌یابند، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه نخواهند داشت. بنابراین مسیر دیگر، اثرگذاری اقتصاد رانته بر عدم تحقق اقتصاد دانش بنیان از طریق ایجاد نا اطمینانی در حقوق مالکیت به وسیله تغییرات سریع قوانین مرتبط با حقوق اقتصادی است و از این کانال نیز تحقق اقتصاد دانش‌محور در کشورهای دارای اقتصاد رانته با مشکل اساسی مواجه خواهد شد.

بررسی گزارش‌های ارزیابی محیط کسب‌وکار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که از نگاه فعالان اقتصادی، زیرساخت‌های نرم‌افزاری مورد نیاز برای بهبود بهره‌وری بنگاه‌ها (از قبیل حقوق مالکیت) از زیرساخت‌های فیزیکی (مثل آب، برق و تلفن) دارای اهمیت بیشتری هستند. اما در بودجه‌های سنواتی - به عنوان یک نهاد قانونی برای خرج کردن درآمدهای نفتی - به این موضوع کم توجهی شده است (شهبازی غیاثی، ۱۳۹۲: ۵)؛ به طوری که در گزارش شاخص حقوق مالکیت سال ۲۰۱۲ در بین ۱۳۰ کشور مورد بررسی، رتبه ایران ۱۰۷ است و میانگین شاخص در ایران حتی از میانگین قاره آفریقا هم کمتر است (جدول ۴).

جدول ۴. شاخص کیفیت حقوق مالکیت ایران در سال ۲۰۱۲

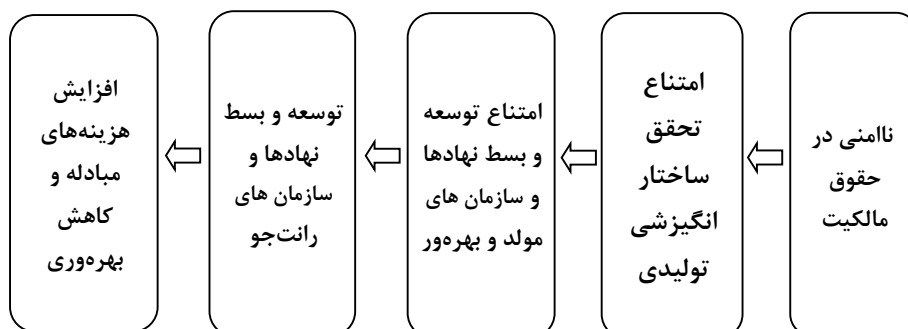
عنوان	امتیاز	رتبه جهانی	رتبه در منطقه مناس ^۱	میانگین امتیاز آفریقا
کل	۴,۳	۱۰۷	۴	۴,۵۳
محیط قانونی و سیاسی	۳,۵	۱۰۵	۳	۴,۲۶
حقوق مالکیت فیزیکی	۵,۵	۱۰۱	۳	۵,۱۷
حقوق مالکیت فکری	۳,۸	۱۰۷	۴	۴,۱۶

تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۲/۲۰، <http://www.internationalpropertyrightsindex.org/ranking>

ساختار انگیزشی افراد و بنگاه‌ها نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری عملکرد اقتصادی جوامع و بهبود یا تخریب بهره‌وری ایفا می‌کند و بنابراین، از اهمیت فراوانی برخوردار است. ساختار انگیزشی افراد و بنگاه‌ها خود تابع حقوق مالکیت است. انواع مختلف نظام‌های حقوق مالکیت گوناگون، ساختار انگیزشی و در نتیجه، عملکرد اقتصادی متفاوتی را تشکیل می‌دهند (Coase, 1960). در نتیجه، ناامنی حقوق مالکیت مانع از تحقق ساختار انگیزشی و عملکرد اقتصادی مولد و بهره‌ور افراد و جوامع می‌شود؛ زیرا هیچکس دست به تولید کالایی که احتمال دهد از او گرفته شود، نمی‌زند (اشرف، ۱۳۵۹: ۴۱). پس در شرایط ناامنی حقوق مالکیت اقتصادی، روند بسط و توسعه سازمان‌های سیاسی و اقتصادی مولد و بهره‌ور تضعیف می‌شود و اقتصاد به سمت بسط و توسعه سازمان‌های

سیاسی و اقتصادی رانت‌جویی پیش می‌رود. این امر منجر به بسط گرایش‌های غیر مولد می‌گردد. در نتیجه، هزینه‌های مبادله افزایش و بهره‌وری کاهش می‌یابد.

نمودار ۱. رابطه نامانی در حقوق مالکیت و بهره‌وری



۷. جمع‌بندی

- بهره‌وری یکی از کلیدی‌ترین متغیرهای اقتصادی است که بر سایر متغیرهای اقتصادی مانند تولید، اشتغال، تورم و درآمد ملی تأثیر فراوان و تعیین‌کننده دارد و بنابراین، باید عوامل مؤثر بر آن شناسایی شود. از دهه ۱۹۹۰ میلادی، مناسبات اقتصادی جهان در حال شکل‌گیری بر اساس الگوی اقتصاد دانش‌محور است. در این الگو، مهم‌ترین عامل بهره‌وری و تولید، دانش و نوآوری است.
- دانش و نوآوری به دو گروه دانش‌های مولد که موجب افزایش نرخ بهره‌وری و تولید می‌شوند و دانش‌های غیر مولد که چنین ویژگی را ندارند، تقسیم می‌شود. بنابراین راستای کسب دانش در جامعه، نقشی اساسی در بهره‌وری ایفا می‌نماید.
- راستای کسب دانش در هر جامعه، تابع برخی عوامل مانند نظام پاداش‌دهی اجتماعی-اقتصادی آن جامعه است. نظام پاداش‌دهی اجتماعی-اقتصادی نیز خود متأثر از منابع کسب درآمد آن جامعه است. از این رو، اقتصاد دانش‌محور که نیازمند تولید و خلق دانش‌های مولد است و اقتصاد رانتی که حاوی منابع درآمدی خاصی است، با یکدیگر ارتباط می‌یابند و از این طریق، درآمدهای رانتی بر تحقق اقتصاد دانش‌محور تأثیر می‌گذارند.
- بیشترین حجم و بخش کلیدی و اصلی دانش را دانش ضمنی تشکیل می‌دهد. دانش ضمنی هنوز مکتوب نشده است و از طریق «یادگیری در حین انجام دادن» و در فرایند تولید خلق می‌شود.

- درآمدهای رانتهی با فراهم نمودن فرصت مصرف بدون تولید داخلی و کاستن نیاز جامعه از درآمدهای صادراتی، نظام تولیدی کشور را از شلاق رقابت بین‌المللی مصون می‌نماید. در نتیجه، وابستگی جامعه به تولید داخلی کاهش می‌یابد. بنابراین نظام پاداش‌دهی اجتماعی - اقتصادی، ضرورتی برای پاداش دادن به خلق دانش‌های مولد نمی‌یابد. این فرایند، سبب انحراف در راستای خلق دانش شده و در نتیجه، انگیزه‌های افراد و سازمان‌ها از تولید دانش مولد به دانش‌های غیر مولد و رانت جویانه در جهت کسب سهم هر چه بیشتری از کیک رانت منحرف می‌گردد.
- در مجموع درآمدهای رانتهی با ایجاد انحراف در راستای کسب و خلق دانش، از طریق کاهش سطح تولید و انباشت دانش‌های مفید و مولد، برای تحقق اقتصاد دانش‌محور، مانع ایجاد نموده و آن را تضعیف می‌نمایند. بنابراین برای تحقق اقتصاد دانش‌محور، باید آثار منفی درآمدهای رانتهی بر راستای کسب دانش، شناسایی و اصلاح گردد.

منابع و مأخذ

- ابطحی، حسین، کاظمی، بابک (۱۳۸۰) بهره‌وری؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چ. سوم. اشرف، احمد (۱۳۵۹) موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه؛ انتشارات زمینه. بانک جهانی (۱۳۷۸) نقش دولت در جهان در حال تحول؛ ترجمه گروه مترجمین؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲) بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، بازیابی شده در ۱۲ آبان ۱۳۹۲، از: <http://tsd.cbi.ir/>.
- پروکوپنکو، جوزف (۱۳۷۹) مدیریت بهره‌وری؛ ترجمه محمدرضا ابراهیمی مهر؛ تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، چاپ دوم.
- پیکارجو، کامبیز (۱۳۷۸) مروری اجمالی بر ادبیات و حرکت بهره‌وری در اقتصاد؛ بانک و اقتصاد، شماره ۵: ۱۶-۱۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱) مبسوط در ترمینولوژی حقوق - ج ۴؛ تهران: کتابخانه گنج و دانش.
- خضری، محمد (۱۳۸۲) افزونه‌جویی و توسعه اقتصادی؛ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۸: ۱۱۱-۹۳.
- خضری، محمد (۱۳۸۴) اقتصاد رانت‌جویی: بررسی زمینه‌های رانت‌جویی در نظام بودجه‌ریزی دولتی ایران؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- داونپورت و لارنس پروساک (۱۳۷۹) مدیریت دانش؛ ترجمه حسین رحمان سرشت؛ تهران: نشر ساپکو.
- دمستز، هرولد (۱۳۸۰) به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت؛ ترجمه محسن رنانی؛ فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سوم، شماره دهم.
- دوسوتو، هرناندو (۱۳۸۶) راز سرمایه؛ ترجمه فریدون تفضلی؛ نشر نی، چاپ سوم.
- شاکری، عباس (۱۳۸۸) اقتصاد خرد ۲: نظریه‌ها و کاربردها؛ تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- شهبازی غیائی، موسی (۱۳۹۲) بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور: توصیه‌هایی برای بهبود محیط کسب‌وکار ایران؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۱۲۸۸۷.
- صاحب‌هنر، حامد و میثم پیله‌فروش (۱۳۹۱) آشنایی با رابطه مالی شرکت ملی نفت و دولت در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- معمار نژاد، عباس (۱۳۸۴) اقتصاد دانش بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها؛ فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱: ۱۰۸-۸۳.

- مهرآرا، محسن؛ ابریشمی، حمید و زمان زاده نصرآبادی، حمید (۱۳۸۷) مصیبت منابع یا نهادها؟: مطالعه موردی کشورهای صادرکننده نفت؛ پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، شماره سوم.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۰) انقلاب دانایی، رونق نفتی و بخش کشاورزی و توسعه بخش کشاورزی؛ دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی.
- میلر، ویلیام و لانگدن موریس (۱۳۸۳) نسل چهارم R&D، مدیریت دانش و فناوری و نوآوری؛ ترجمه علی‌رضا مهاجری و مریم فتاح زاده؛ انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۷۷) نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی؛ ترجمه محمدرضا معینی؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، چاپ اول.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۷۹) ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی؛ ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی؛ تهران: نشر نی.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۸۵) اقتصاد نهادی نوین و توسعه؛ ترجمه فرشاد مؤمنی؛ فصلنامه اقتصادی-سیاسی، سال اول، شماره اول.
- همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳) فساد مالی و اقتصادی؛ تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- یادگاری، سیامک و فاطمه عزیزخانی (۱۳۸۷) درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور: تحلیلی بر منابع بودجه؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۹۴۹۹.
- Bormotov, Michael (2010) Modern Knowledge Based Economy: all-factors Endogenous Growth model and Total Investment Allocation; The working paper, MPRA: Munich Personal RePEc Archive.
- Coase, Ronald H. (1960) The Problem of Social Cost; Journal of law and economics, Vol. 3:1-44.
- Coase, Ronald H. (1998) The New Institutional Economics; The American Economic Review, Vol. 88. 2: 72-74
- Coates David & Ken Wawrick (1999) The Knowledge Driven Economy: Analysis & Background; www. Dti.gov.uk
- Cole Daniel H. And Peter Z. Grossman (2002) The Meaning of property Rights Law Versus Economics; Land Economics Vol. 78, No. 3 (Aug.): 317-330.
- Islamic World Science Citation Center (2013) Retrieved November 4, 2013 from <http://wpr.isc.gov.ir/addyear.aspx?catname=COUNTRY&catval=IRAN>
- Katouzian, H. (1981) The Political Economy of Modern Iran; London: Macmillan.
- Krueger, Ann O. (1974) The Political Economy of Rent- Seeking; American Economic Review, Vol. 64, No. 3.
- Leung, S. (2004) Statistics to measure the knowledge-based economy: the case of Hong Kong, china; Census and Statistic Department Hong Kong, China, 2004

- Asia Pacific Technical Meeting on information and Communication Technology (ICT) Statistics Wellington, 30 November – 2 December 2004.
- Lundvall, Bengt-Ake (2007) Forms of knowledge and modes of innovation; *Journal of Research Policy*: 680-693.
- Lundvall, Bengt-Åke; Rasmussen, Palle; Lorenz Edward (2008) Education in the Learning Economy; a European perspective, *Policy Futures in Education*, Vol. 6, No. 6.
- OECD (1996) "The Knowledge Based Economy"; Paris.
- OECD (1997) "National Innovation System"; Paris.
- OECD (2000) "Knowledge Management in the Learning Society".
- OECD (2012) "Organization For Economic Cooperation and Development".
- ONS (Office for National Statistics) (2007) *The ONS Productivity Handbook: A Statistical Overview and Guide*; Edited by Dawn Camus, United Kingdom: Palgrave, Macmillan.
- Polanyi, M. (1966) *The tacit dimension*; Doubleday & Co., Garden City, NY.
- Rooney, David; G. Hearn; T. Mandille & R. Joseph (2003) *Public Policy in Knowledge Based Economy: Foundation and Frameworks*; Edward Elgar Publishing.
- Stiglitz, E. Jozeph (1999) *Public Policy for A Knowledge Economy*; Senior Vice president and chief Economist the World Bank, Tremblant for many stimulating comments.
- Trewin, Dennis (2002) *Measuring a Knowledge- based economy and society- An Australian frame work*; Australian Bureau of statistics, Discussion paper.
- World Bank (2013) *World DataBank*, Retrieved November 1, 2013 from <http://databank.worldbank.org>.